خبر

صالحی‌امیری: در انتخاب استیلی دخالت نداشتیم

● رئیس کمیته ملی المپیک گفت: کمیته ملی المپیک در انتخاب سرمربیان تیم ملی امید مداخله‌ای نداشت و طبعا فدراسیون فوتبال پاسخ‌گو خواهد بود.

سیدرضا صالحی‌امیری در حاشیه نشست دیپلماسی ورزشی در جمع خبرنگاران در مورد اساسنامه کمیته ملی المپیک بیان کرد: اصلاحات اساسنامه قبل از حضور من شروع شده بود. اساسنامه ما با اساسنامه جهانی انطباق پیدا کرد و به‌روز شد. بعد از تأیید در هیئت اجرائی، مجمع و IOC به دولت ارسال کردیم. حدود سه ماه در نوبت بود که خوشبختانه تصویب شد.

صالحی‌امیری درباره وضعیت تیم امید گفت: ما و وزارت ورزش اراده محکمی برای حمایت از تیم ملی امید داریم. سیاست جاری در کمیته ملی المپیک این است که در انتخاب سرمربی و کادر فنی دخالت نکند و جلسه‌ها نیز جنبه مشورتی دارد. شنبه جلسه‌ای را در ستاد عالی با حضور وزیر و تاج برگزار می‌کنیم و نتایج را از طریق سرپرست کاروان به اطلاع خواهیم رساند.

او در پاسخ به این پرسش که آیا وضعیت تیم امید جای نگرانی ندارد، تأکید کرد: اطلاع دارم تاج، رئیس فدراسیون، در تلاش است موانع و مشکلات امید را رفع کند.

صالحی‌امیری در پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر اینکه فدراسیون فوتبال برای انتخاب استیلی با کمیته المپیک مشورت کرد یا خیر، گفت: در انتخاب کرانچار، مجیدی و استیلی مداخله‌ای نداشتیم و بالطبع فدراسیون فوتبال پاسخ‌گو خواهد بود. مطمئن هستیم فدراسیون فوتبال دلسوز است.

او درباره وضعیت حضور رستمی و علی‌حسینی در مسابقات وزنه‌برداری سوئیس تصریح کرد: سعیدعلی حسینی و کیانوش رستمی در رویداد سوئیس ثبت‌نام نشدند. با توجه به اتفاقی که افتاد و رستمی در مسابقات جهانی اوت شد، باید الزاما در سوئیس شرکت کند. سهراب مرادی با هماهنگی‌ای که انجام شد، به سوئیس می‌رود و من الان جلسه‌ای با سهراب مرادی خواهم داشت. او این هفته به آلمان می‌رود و بعد به سوئیس اعزام می‌شود. درباره رستمی و علی‌حسینی نیز مکاتبه انجام دادم و از طریق کانال‌هایی که داشتیم، رایزنی‌ها در حال انجام است تا مجوز حضور این دو وزنه‌بردار در مسابقات سوئیس داده شود. اگر هم مجوز ندادند، قطعا مطالبه‌ای دراین‌خصوص نداریم؛ چون دو هفته تأخیر داشتیم. در هر صورت نتیجه را منعکس خواهیم کرد. یکی از عزیزان صحبت مؤثری داشته و تصمیم فدراسیون جهانی منوط به جلسه هیئت‌رئیسه است.

رئیس کمیته ملی المپیک درباره انتخاب دبیرکل گفت: ما برای انتخاب دبیرکل زمان خاصی تعیین نکردیم. یکی از ملاحظات ما، تصویب اساسنامه بود که انجام شد و حداکثر تا یک ماه دیگر دبیرکل را معرفی خواهیم کرد.

او درباره تسویه‌حساب بدهی ارزی دوومیدانی به کمیته المپیک نیز گفت: هیچ‌کدام از فدراسیون‌ها به ما بدهی ندارند. گاهی فدراسیون‌ها به دلیل مشکلات خود، علی‌الحساب مبلغی را دریافت می‌کنند و بعد تسویه می‌کنند. دوومیدانی بخشی از بدهی ارزی خود را پرداخت کرد. فدراسیونی به ما بدهی ندارد، اما کمیته ملی المپیک به ۵۲ فدراسیون بدهکار است.

عکس: مرضیه موسوی، ایرنا

چه کسی زنان را به ورزشگاه راه داد؟

کار، کار خودشان است!

«چرا این زنان پرشور نباید حق حضور در ورزشگاه‌ها را داشته باشند؟» اردیبهشت ۱۳۹۶ که حسن روحانی این جمله را در جمع زنان پرشوری که برای حمایت از او خودشان را به سالن ۱۲ هزارنفری آزادی رسانده بودند، به زبان آورد، فکرش را نمی‌کرد محقق‌شدن این خواسته برایش تبدیل به کلافی سردرگم شود. از زمان روی‌کارآمدن این دولت، درست شبیه به دولت‌های قبلی، ولی با شدت بیشتری، بحث حضور زنان در ورزشگاه مطرح شده، ولی عملا گام بلندی که نشانه‌ای از پیشرفت در این زمینه باشد، برداشته نشده است. جسته‌گریخته زنان توانسته‌اند به ورزشگاه بیایند؛ با تعداد کم و پس از عبور از فیلتر گزینش. در سایه همین گام‌های کوچک اما بالاخره اتفاق مهمی رخ داده و قرار است برای اولین‌بار به صورت «نیمه‌رسمی»، زنان آزادانه طعم حضور در ورزشگاه‌های فوتبال را بچشند و برای بازی ایران با کامبوج راهی «آزادی» شوند. اینکه چرا «نیمه‌رسمی» هم دلیل دارد؛ اول «رسمی» به این خاطر که بالاخره برای اولین‌بار بعد از انقلاب اسلامی تعدادی از زنان علاقه‌مند به فوتبال توانسته‌اند بلیت بخرند و شرایط را برای حضورشان در ورزشگاه آماده کنند. اما «نیمه‌رسمی‌اش» هم این است که به اندازه استقبالی که زنان از این فرایند داشته‌اند، بلیتی فروخته نشده است. پیش‌تر می‌گفتند قرار است یک‌دهم ظرفیت ورزشگاه برای بازی با کامبوج در اختیار زنان قرار بگیرد؛ یعنی چیزی نزدیک به هشت هزار نفر. بعد اما مسئولان فدراسیون فوتبال در اقدامی نسنجیده اعلام کردند ۱۰ درصد ظرفیت مردانی که قرار است برای این بازی به ورزشگاه بیایند بلیت برای زنان کنار می‌گذارند! تصور آنها این بود که نزدیک به ۱۵ هزار مرد از این بازی دیدن می‌کنند، پس باید چیزی نزدیک به هزارو ۵۰۰ بلیت برای ورود زنان به ورزشگاه بفروشند. این مورد را به صورت رسمی مشاور فرهنگی فدراسیون فوتبال اعلام کرد و گفت که دو جایگاه را برای آنها در نظر گرفته‌اند؛ یعنی تقریبا هزارو ۶۰۰ زن می‌توانند راهی ورزشگاه شوند. فردای آن روز اما ظاهرا وزیر ورزش در دستوری فوری، به فدراسیون امر کرده که این تعداد باید به چهارهزارو ۶۰۰ نفر؛ یعنی به هشت جایگاه ارتقا پیدا کند. دست‌آخر هم که سه‌هزارو ۵۰۰ صندلی برای زنان تا به الان فروخته شده و شایعاتی هم مطرح شده که امروز و فردا دوباره قرار است تعداد کم دیگری بلیت برای آنها در نظر گرفته شود. حالا چه با سه‌هزارو ۵۰۰ و چه با چهارهزارو ۶۰۰ نفر، بالاخره زنان برای اولین‌بار قرار است با تهیه بلیت راهی ورزشگاه شوند و دیدار تیم ملی و بازیکنان این تیم را ببینند؛ اتفاقی که از آن به‌عنوان یک «گام مثبت» یا شاید یک «پیروزی کوچک» نام برده می‌شود. همین گام و همان پیروزی کوچک، حالا محل اختلاف شده است؛ فعلا افراد مختلفی ادعا می‌کنند تلاش‌های آنها به نتیجه نشسته و این پیروزی، هرچند کوچک، را باید به نام آنها زد.

فعالان حقوق زنان

این عده در راستای ورود زنان به ورزشگاه تلاش بسیار زیادی کرده‌اند؛ آنها به‌ویژه در چندسال اخیر با راه‌اندازی کمپین‌های ریزودرشت سعی کرده‌اند توجه مسئولان را جذب کنند که ورود به ورزشگاه حق طبیعی آنهاست؛ در این راه البته تلاش‌های زیادی هم کردند و بعضا با بازداشت‌های موقتی که رفتند، تاوانش را هم دادند. عده‌ای هم با ریش‌گذاشتن و آرایش‌های مردانه، به ورزشگاه رسیدند و با گذاشتن عکس و تصویر از این اتفاق، تلاش کردند وضعیت زنان برای ورود به ورزشگاه‌ها در ایران را دست‌کم در رسانه‌های مختلف جهانی برجسته کنند. آنها البته پای ثابت تجمعات بعضا اندک و گاهی بزرگی بودند که هربار به بهانه انجام یک دیدار بزرگ، جلوی در ورزشگاه آزادی جمع می‌شدند. این عده حالا می‌گویند ورود زنان به ورزشگاه برای دیدار ایران با کامبوج حاصل تلاش‌های بی‌وقفه آنها بوده وگرنه همین گام کوچک هم محقق نمی‌شد. مخالفان این افراد می‌گویند جواز ورود زنان به ورزشگاه به‌خاطر تهدیدهای فیفا صادر شده وگرنه تلاش آنها برای مسئولان ایرانی چندان قابل رؤیت نبوده است. دلیل این گروه آخر که اعتقاد دارند نقش فعالان زن در این موضوع چندان پررنگ نیست هم شنیدنی است: آنها می‌گویند اگر تلاش فعالان حقوق زنان به نتیجه نشسته، باید ورود زنان برای همه بازی‌ها، نه فقط بازی‌های ملی آزاد شود. پس مشخص است که تلاش فیفا بوده که توانسته بازی‌هایی را که زیر نظر این نهاد بین‌المللی برگزار می‌شود با حضور زنان برگزار کند. پاسخ فعالان زن هم اما روشن است: اگر تلاش‌های بی‌وقفه ما نبود، هرگز فیفا، فدراسیون فوتبال را مجبور به چنین کاری نمی‌کرد.

فیفا

با مروری ساده بر رسانه‌های خارجی، این موضوع کاملا مشهود است که همگی ورود زنان به ورزشگاه‌ها در ایران را به‌خاطر تلاش و البته فشار فیفا می‌دانند. آنها با پررنگ‌کردن یکی، دو بیانیه اخیر اینفانتینو، رئیس فیفا، به این مورد اشاره می‌کنند که فدراسیون فوتبال ایران به‌خاطر ترس از تعلیق، مجبور شده به خواسته فیفا احترام بگذارد و مسیر را برای ورود زنان به ورزشگاه هموار کند. حرف آنها هم فعلا برش داشته؛ فدراسیون فوتبال ایران موظف شده از این به‌بعد، تمامی بازی‌های ملی را که زیر نظر فیفا و به میزبانی ایران برگزار می‌شود با حضور زنان برگزار کند. حتی خود جانی اینفانتینو هم تأکید زیادی داشته که این امر محقق شود. این مرد سوئیسی-ایتالیایی بعد از سفرش به ایران و در تنگنا قرارگرفتن از سوی مدافعان حقوق بشر، قول داد مسئله ورود زنان به ورزشگاه در ایران را حل‌وفصل کند. او حالا در هر نشستی که با مسئولان اروپایی و جهانی دنیای فوتبال دارد طوری از ورود زنان به ورزشگاه‌ها در ایران حمایت می‌کند که از آن به‌عنوان یک پیروزی و برد به نفع خودش یاد می‌کند. اینفانتینو البته می‌تواند چنین ادعایی داشته باشد؛ او بعد از سفرش به ایران و دیدار با حسن روحانی، به سوئیس برگشت و خبر داد که رئیس‌جمهور ایران قول داده مشکل ورود زنان به ورزشگاه‌ها را حل کند؛ با پیگیری‌های فیفا، بالاخره این موضوع، هرچند به صورت ناقص اما عملی شده است. البته اینکه کار، کار فیفاست هم محل سؤال است؛ مگر نه اینکه قوانین فیفا از مدت‌ها پیش وجود داشته؟ پس چطور می‌شود در بازه تقریبی یک‌ساله، فشار این نهاد بر فدراسیون فوتبال ایران بیشتر می‌شود؟ اینجا دوباره فعالان حقوق‌بشری می‌گویند تلاش‌های آنها بوده که فیفا را وادار به این کار کرده است؛ بیشتر مدافعان حقوق زنان؛ چه در داخل و چه خارج از ایران، با ارسال مستندات زیادی به فیفا، از این نهاد خواسته بودند مسیر را برای ورود زنان به ورزشگاه‌ها در ایران هموار کنند. حالا آنها می‌گویند فیفا به درخواست این عده عمل کرده و درواقع باید این مهم به اسم همین افراد زده شود.

وزارت ورزش

وزارتی‌ها هم در بحث حضور زنان به ورزشگاه سهیم هستند و هرچند کمتر ادعایی دارند، ولی در خفا، ورود زنان به ورزشگاه را به اسم خودشان زده‌اند. چه آن زمان که محمود گودرزی سکان وزارت ورزش در دولت روحانی را به دست داشت و چه بعدها که مسعود سلطانی‌فر هدایت این مجموعه را بر عهده گرفت، همواره تلاش‌ها برای ورود زنان به ورزشگاه در جریان بوده است. البته اعتقاد هر دو وزیر مبنی بر این بود که کارها باید به آهستگی و در خفا پیش برود. هر دو از جنجالی احتمالی که برخی رسانه‌ها ممکن بود در این ماجرا راه بیندازند، خبردار بودند و ترجیح می‌دادند اگر گامی هم در این زمینه برداشته می‌شد، بدون هیاهوی خبری باشد. حل‌وفصل‌شدن مشکل ورود زنان به ورزشگاه برای تماشای مجدد رقابت‌های والیبال، در راستای همین حربه به دست آمد؛ دست‌کم این ادعایی است که وزرای یادشده دارند. البته از بحث رایزنی‌ها هم نباید به این سادگی گذشت. در کنار این دو وزیر، شخص رضا صالحی‌امیری، رئیس کمیته ملی المپیک، قرار می‌گیرد. او که معتقد بود مشکل ورود زنان حل‌شدنی است و باید زیرساخت‌ها فراهم باشد، به تعامل نهادهای مختلف اعتقادی ویژه داشت و هنوز هم می‌گوید با تعامل می‌شود همه نگرانی‌ها در این زمینه را از بین برد. نقش این افراد در محقق‌شدن این گام کوچک، ملموس ولی بسیار کم‌رنگ است. کم‌رنگ‌بودنش شاید به خاطر چراغ‌خاموش حرکت‌کردن آنها در این ماجراست؛ موضوعی که البته باعث شده مخالفان آنها بگویند اگر قرار بود این آدم‌ها کاری برای ورود زنان به ورزشگاه کنند، خیلی زودتر دست به کار می‌شدند، پس زیاد هم نباید در این زمینه مدعی باشند.

مراجع تقلید

بحث ورود زنان به ورزشگاه یکی از مهم‌ترین بحث‌های دهه اخیر در ایران بوده است؛ چه زمانی که احمدی‌نژاد ایستاد و گفت این مشکل را حل می‌کند و چه زمانی که روحانی وعده داد زنان به ورزشگاه می‌روند، می‌دانستند باید نظر مثبت مراجع تقلید را در این زمینه بگیرند. این موضوع اما چندان هم راحت نیست؛ تعدادی از مراجع با گفتن «جایز نیست»، پروسه ورود زنان به ورزشگاه را رد می‌کردند، ولی در این بین عده‌ای، هرچند اندک نیز بیان می‌کردند که اگر مسائل شرعی رعایت شود و ورودی و خروجی‌ها جداگانه و جایگاه‌ها به‌گونه‌ای تعبیه شود که خطایی رخ ندهد، ایرادی نیست. بااین‌حال، کیست که نداند اگر نگرانی مراجع تقلید در این زمینه برطرف نمی‌شد، بعید بود حتی همین نزدیک به چهار هزار زن هم وارد ورزشگاه شوند. در این بین، مخالفت مراجع تقلید با ورود زنان به ورزشگاه اختلاف بسیار فاحشی با موافقت مشروط آنها داشت.

فدراسیون فوتبال

آیا باید فدراسیون فوتبال را هم در داستان ورود زنان به ورزشگاه سهیم کرد؟ عملا این نهاد نقش اصلی را ایفا می‌کند. آنها باید ورزشگاه و زیرساخت را مهیا و مسیر را برای ورود زنان به ورزشگاه هموار کنند، ولی آنهایی که از نزدیک مهدی تاج و پیش‌تر علی کفاشیان را می‌شناسند، می‌دانند این دو نفر، آدم‌هایی نیستند و نبودند که بخواهند در این داستان نقش آوانگارد را ایفا کنند. این دو بیشتر نقش «بله‌قربان‌گو» را داشته‌اند؛ در واقع در این مورد اگرچه در رسانه‌ها به حق طبیعی زنان برای ورود به ورزشگاه بعضا تأکید کرده‌اند، ولی هر بار حرف‌هایشان را هم تغییر داده‌اند و با گفتن اینکه همه نهادها باید دراین‌باره تصمیم بگیرند، سعی کرده‌اند خودشان را از این داستان جدا کنند. فدراسیون‌نشین‌ها اما نمی‌خواهند به‌سادگی از کنار این موضوع عبور کنند؛ آنها حالا بالاخره مدعی هستند توانسته‌اند با رایزنی با نهادهای مختلف، تا حدودی این داستان را حل‌وفصل کنند. شاید مسئولان این نهاد عملا از آن به‌عنوان یک برد یا موفقیت یاد نکنند، ولی طبیعتا بعدها و در گذر زمان، قطعا به فراخور حال، گریزی به این داستان می‌زنند و سهم خودشان را در همواركردن ورود زنان به ورزشگاه برجسته می‌کنند.

نماینده‌های مجلس و سیاسیون

نمی‌شود نقش این افراد را هم نادیده گرفت؛ اگرچه اندک، ولی بااین‌حال، چندین نفر از نمایندگان مجلس همواره تلاش کرده‌اند مسئله ورود زنان به ورزشگاه را مطالبه کنند. نطق‌های اندک آنها در مجلس و پیگیری‌های آنها بی‌تأثیر در عملی‌شدن این خواسته نبوده است. سیاسیون هم در کنار نماینده‌های مجلس سهیم هستند. بالطبع نقش آنها در رایزنی با نهادهای بالاتر بی‌تأثیر نیست؛ پس اگر در آینده یک یا چند نفر از میان همین افراد مدعی شوند که کار، کار آنهاست، نباید زیاد تعجب کرد. مخالفان این عده هم کم نیستند؛ آنها می‌گویند این دغدغه نزدیک به یک دهه وجود داشته و از نمایندگان مجلس توقع بسیار بیشتری داشته‌اند.

رسانه‌ها

سهم رسانه‌ها هم کم نیست؛ با این تفاوت که نقشی دوگانه داشته‌اند؛ رسانه‌های نزدیک به جریان اصلاحات بیشترین حمایت را از ورود زنان به ورزشگاه داشته‌اند و با بازتاب خواسته‌های زنان و پررنگ‌کردن اتفاقات رخ‌داده در این زمینه، نقش مهمی در همواركردن این مسیر ایفا کرده‌اند. در آن سو اما رسانه‌های مخالف هم تعدادشان کم نیست. همین حالا هم رسانه‌های نزدیک به جریان اصولگرا و البته نگاه حاکم بر صداوسیما، از بحث ورود زنان به ورزشگاه به‌عنوان فاجعه یاد می‌کنند و با یادآوری اتفاقات دیگر، می‌گویند ورود زنان به ورزشگاه در اولویت نیست. جدال این دو طیف از رسانه‌ها، در طول دهه اخیر همواره وجود داشته است.

کار، کار خودشان است!

در بین طیف‌های مختلفی که می‌خواهند سهم خودشان در داستان شیرین ورود زنان به ورزشگاه را پررنگ جلوه دهند، عده‌ای هم هستند که همچنان علاقه دارند مسائل بعضا بی‌ربط را به هم ربط بدهند! آنها با بیان این جمله که «کار خودشان است»، می‌گویند فضایی به وجود آورده‌اند تا بحث ورود زنان به ورزشگاه را مطرح کرده و سر مردم را این‌طور گرم کنند! به عقیده این افراد، نه فعالان حقوق زنان، نه فیفا، نه وزارتی‌ها و نه فدراسیون‌نشین‌ها نقشی در این زمینه نداشته‌اند، بلکه «خودشان» این موضوع را برجسته کرده‌اند تا حواس‌ها از بقیه مشکلات جامعه پرت شود.

فوتبال

مقایسه عملکرد کالدرون و برانکو در شروع لیگ

بهتر از فصل اول پروفسور ضعیف‌تر از فصل‌های قهرمانی

● گابریل کالدرون شروع قابل‌قبولی در پرسپولیس نداشته و از شش بازی ابتدایی ۹ امتیاز کسب کرده است.برانکو ایوانکوویچ از هفته بیست‌وششم لیگ چهاردهم روی نیمکت پرسپولیس نشست. لیگ پانزدهم اولین فصلی بود که برانکو پرسپولیس را خودش بست و از همان فصل بود که روزهای خوب پرسپولیس فرارسید. بعد از عصر طلایی برانکو که هفت جام برای پرسپولیس به همراه داشت و این تیم برای اولین‌بار توانست به فینال لیگ قهرمانان آسیا برسد، برای لیگ نوزدهم برانکو پرسپولیس را ترک کرد و گابریل کالدرون آرژانتینی بعد از سه فصل پیاپی که پرسپولیس قهرمان لیگ شده بود، به‌عنوان سرمربی این تیم انتخاب شد. پرسپولیس در شش بازی ابتدایی لیگ همراه با کالدرون سه برد و سه شکست به دست آورده و با کسب ۹ امتیاز در رده هفتم جدول رده‌بندی قرار دارد. هواداران پرسپولیس با وجود برد کالدرون در دربی، از وضعیت این تیم راضی نیستند. در این گزارش عملکرد کالدرون در شش هفته ابتدایی لیگ را با برانکو مقایسه کرده‌ایم.

روزهای سخت

برانکو در لیگ پانزدهم برای اولین‌بار پرسپولیس را خودش بست. تیم او در شش هفته ابتدایی نتایج ضعیفی گرفت. سرخ‌پوشان پایتخت آن فصل از شش بازی ابتدایی فقط چهار امتیاز کسب کردند که از نظر امتیازی عملکرد آن فصل پرسپولیس، ضعیف‌تر از پرسپولیس کالدرون بوده است. البته باید به این نکته توجه کرد که پرسپولیس برانکو در آن شش بازی فوتبال زیبایی را به نمایش می‌گذاشت و هواداران از بازی این تیم راضی بودند و همچنین برانکو تیمی را در اختیار داشت که چند فصلی ناکام بود و باید بنای تازه‌ای را بعد از آن سال‌ها در پرسپولیس می‌ساخت. کالدرون اما ۹ امتیازی که گرفته همراه با تیمی بوده که چند ملی‌پوش دارد و یکی از بهترین تیم‌های چند فصل اخیر فوتبال ایران هم بوده است.

شروع بدون باخت

بعد از نایب‌قهرمانی پرسپولیس در لیگ پانزدهم، برای لیگ شانزدهم شاگردان برانکو که فوتبال زیبایی هم بازی می‌کردند، بدون باخت شش هفته اول لیگ را پشت‌سر گذاشتند. پرسپولیس آن فصل از شش بازی اول خود در لیگ با سه برد و سه تساوی ۱۲ امتیاز به دست آورد. در پایان آن فصل پرسپولیس اولین قهرمانی خود همراه با برانکو را سه هفته زودتر از پایان لیگ با برتری ۲ بر صفر در تبریز مقابل ماشین‌سازی کسب کرد. پرسپولیس کالدرون در حالی این فصل در شش بازی اول خود در لیگ سه باخت داشته که در فصلی که اولین قهرمانی خود با برانکو در لیگ را به دست آورد، در لیگ فقط چهار باخت داشته است.

بهترین شروع

پرسپولیس بهترین شروع خود همراه با برانکو را در لیگ هفدهم تجربه کرد. سرخ‌پوشان پایتخت که قهرمان دوره گذشته لیگ برتر بودند، در شش بازی اول فصل، چهار برد، یک تساوی و یک باخت به دست آوردند تا با کسب ۱۳ امتیاز بهترین عملکرد برانکو در شش هفته ابتدایی فصل همراه با پرسپولیس باشد. پرسپولیس برانکو در لیگ هفدهم هم مانند لیگ شانزدهم سه هفته زودتر از پایان بازی‌ها قهرمانی خود را قطعی کرد تا برانکو تبدیل به اولین مربی‌ای شود که در لیگ برتر همراه با پرسپولیس دبل قهرمانی می‌کند.

مانند فصل اول قهرمانی

بعد از دو قهرمانی همراه با برانکو در لیگ، این مربی کروات حسابی نزد هواداران این تیم محبوب شده بود. برای لیگ هجدهم پرسپولیس در شش بازی اول فصل مانند لیگ شانزدهم نتیجه گرفت و با سه برد و سه تساوی ۱۲ امتیاز از شش بازی اول خود کسب کرد. در این فصل پرسپولیس همراه با برانکو برای اولین‌بار به فینال لیگ قهرمانان آسیا رسید و در پایان فصل علاوه‌بر هت‌تریک قهرمانی در لیگ برتر، قهرمان جام حذفی ایران شد. نکته عجیب پرسپولیس کالدرون نسبت به پرسپولیس برانکو در شروع لیگ این است که پرسپولیس کالدرون آمار گلزنی ضعیفی داشته. پرسپولیس که این فصل در کنار دو تیم فولاد خوزستان و گل‌گهر سیرجان بدترین خط حمله لیگ برتر را دارد، در شش بازی خود فقط سه گل زده است. پرسپولیس همراه با برانکو در هر چهار فصل بیش از سه گل در شش بازی ابتدایی زده بود.

ظریف درگذشت جعفر کاشانی را تسلیت گفت

● وزیر امور خارجه در پیامی درگذشت جعفر کاشانی، دیپلمات اسبق و پیش‌کسوت ملی‌پوش فوتبال را تسلیت گفت.در پیام تسلیت محمد جواد ظریف آمده است: «خبر درگذشت همکار گرامی، دیپلمات اسبق و ملی‌پوش فوتبال کشورمان جناب آقای جعفر اشرفی‌کاشانی موجب تأسف و تألم گردید. بدین وسیله مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و از درگاه خانواده متعال برای آن مرحوم رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نمایم». «جعفر کاشانی»، رئیس هیئت‌مدیره باشگاه پرسپولیس و از پیش‌کسوتان این باشگاه، صبح چهارشنبه گذشته دار فانی را وداع گفت. او سال‌ها به‌عنوان بازیکن و رئیس هیئت‌مدیره پرسپولیس فعالیت می‌کرد.

شرکت انتقال گاز ایران
منطقه۹عملیات انتقال گاز

آگهی فراخوان تجدید مناقصه عمومی – شماره مناقصه:۸۸۷۸۰۰۱۴ نوبت دوم

شماره مجوز: ۱۳۹۸.۴۱۶۳

منطقه ۹ عملیات انتقال گاز در نظر دارد: مناقصه تامین پایداری خط لوله در محدوده گنبک و دره ذغال سنگ را به پیمانکاران ذیصلاح و واجد شرایط واگذار نماید. داوطلبان می توانند جهت رویت اطلاعات کامل به سایت منطقه ۹ عملیات انتقال گاز ((www.nigc-dist۹.ir مراجعه نمایند.

۱-نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: شرکت انتقال گاز ایران (منطقه ۹عملیات انتقال گاز) ساری _ بلوار امیر مازندرانی روبروی بیمارستان امام خمینی صندوق پستی شماره :۹۱۱- ۴۸۱۷۵ تلفن:۰۱۱۳۳۸۰۴۴۸۵

۲-موضوع و محل اجرای پروژه: تامین پایداری خط لوله در محدوده گنبک و دره ذغال سنگ - محل اجرا: استان گیلان شهر رودبار

۳-مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (پانصد میلیون) ریال به صورت یکی ازتضامین مذکور در آیین نامه تضمین در معاملات دولتی

۴-برآورد تقریبی مناقصه و مبانی آن: حدود ۱۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (ده میلیارد) ریال بر اساس فهارس بهای سازمان برنامه و بودجه

۵-محل، زمان و مهلت دریافت اسناد مناقصه : اموربیمانهای منطقه۹ عملیات انتقال گاز از تاریخ ۹۸/۰۷/۲۰ الی ۹۸/۰۷/۲۲

۶-تحویل پیشنهادات و اسناد مناقصه : تا مورخ ۹۸/۰۸/۰۸

۷- محل و زمان گشایش پیشنهادات : ساری - بلوار امیر مازندرانی- روبروی بیمارستان امام خمینی- سالن کنفرانس ساختمان مرکزی منطقه ۹ عملیات انتقال گاز - تاریخ اولیه گشایش پیشنهادات ۹۸/۰۸/۲۶ می باشد لیکن تاریخ دقیق آن به مناقصه گران واجدشرایط بصورت مکتوب اعلام خواهد شد.

۸-مدت اعتبار پیشنهادات : ۳ماه که برای یک دوره ۳ماههٔ دیگر از طرف کارفرما قابل تمدید است.

۹-فرایند مناقصه : یک مرحله ای با ارزیابی کیفی

۱۰-شرایط شرکت در مناقصه: الف) نامه اعلام آمادگی و معرفی نامه نماینده دریافت اسناد ب) دارا بودن گواهینامه صلاحیت پیمانکاری رشته ابنیه یا آب از سازمان برنامه و بودجه که نشان دهنده دارا بودن ظرفیت آزاد کاری شرکت باشد.

ج) ارائه فیش بانکی به مبلغ سیصد هزار ریال به شماره حساب ۴۱۰۱۰۹۰۵۷۱۲۱۴۳۷۹ بانک مرکزی به نام "شرکت انتقال گاز ایران-تنخواه گردان پرداخت-منطقه ۹ عملیات انتقال" و کد شبا: IR۸۰۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۰۹۰۵۷۱۲۱۴۳۷۹ د) دارا بودن روزنامه رسمی و آخرین تغییرات هیئت مدیره شرکت و) دارا بودن گواهینامه مودیان مالیاتی (کد اقتصادی) هـ) دارا بودن گواهینامه صلاحیت ایمنی پیمانکاری از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

***تذکر: قیمتها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ، ارائه گردد.**

روابط عمومی منطقه ۹ عملیات انتقال گاز